

پایه‌گذار زیارت پیاده



فصل دوم
حجّت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیم

یکی از سنت‌های خوبی که در زمانه‌ما رواج یافته‌است، سنت پیاده‌روی برای زیارت است، یعنی با پای پیاده برای زیارت راهی شدن و رنج سفر را برای دیدن لطف محبوب به جان خریدن. معانی زیادی در این پیاده طی طریق کردن برای زیارت نهفته است. حالا به‌سوی حرم امام حسین^(ع) باشد یا حرم امام هشتم، حضرت رضا^(ع)، یا هرکدام از اهل بیت رسول خدا یا امام زادگان واجب‌التعظیم، فرقی نمی‌کند. زیارت یک امر معنوی است. در زیارت اصل این است که بتوانیم توجه قلبی به مزور پیدا کنیم و روح و روان ما در این محضر آماده و حاضر باشد و در بسیاری از زیارت‌ها که انسان، آسان و با مرکب‌های رهوار و آسوده سفر می‌کند، چنین امری محقق نمی‌شود، اما وقتی می‌خواهی یک مسیر طولانی را به‌سوی او پیاده‌روی کنی، ابتدا انگیزه و اراده‌ای قوی می‌خواهد و در مسیر هم سختی هادل تو را آماده‌تر می‌کند. حالا اگر در این بین و در مدت سفر، اهل ذکر و فکر و توسل هم باشی، این پیاده‌روی مقدس است و این زمانی که در آن صرف می‌کنی، خود تبدیل به یک سلوک معنوی می‌شود که تو را آماده دیدار می‌کند.

در بین اهل بیت^(ع) آن امامی که به این امر یعنی با پای پیاده به زیارت رفتن معروف است، امام حسن مجتبی^(ع) است. در واقع می‌توان پایه‌گذار زیارت پیاده را امام دوم شیعیان دانست. در کتاب تاریخ الخلفا، صفحه ۷۲ آمده‌است که حضرت امام حسن مجتبی^(ع) بیست‌بار از مدینه با پای پیاده به زیارت خانه خدا رفت و در نقل دیگری آمده‌است که آن حضرت بیست و پنج بار با پای پیاده به سفر حج رفت. ابن سعد در نقل خود، پانزده بار ذکر کرده‌است.

همچنین در مطلبی حاکم نیشابوری، از دانشمندان اهل سنت، به سند خود از عبدا... بن عبید روایت کرده‌است که گوید: «به راستی که حسن بن علی بیست و پنج سفر پیاده به حج رفت و مرکب‌های راهوار، او را بدون سوار همراهی می‌کردند، و نظیر این روایت را بیهقی در سنن کبری و بیش از ۱۰ نفر دیگر از دانشمندان اهل سنت از عبدا... بن عبید روایت کرده‌اند.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب امالی از امام صادق^(ع) روایت کرده‌است که فرمود: «حسن بن علی عابدترین مردم زمان خود و زاهدترین آن‌ها و برترین آن‌ها بود و چنان بود که وقتی حج به جای می‌آورد، پیاده به حج می‌رفت و گاهی نیز پای برهنه راه می‌رفت». و از حلیه‌الاولیای بی‌نعیم از امام باقر^(ع) روایت کرده‌است که فرمود: «من از خدا شرم دارم که دیدارش کنم و پیاده به خانه‌اش رفته باشم».

زیارت خانه خدا و اولیاء... برای خودسازی معنوی است و اگر با توجه و سختی بیشتری همراه شود، نتایج بهتری را به دنبال دارد، چرا که دل را از خمودگی و غفلتی که دچار آن است، خارج می‌کند. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که این زیارت زندگی‌ساز و دلچسب را به همه ما روزی کند، ان شاء...!

اشارت

او می‌شنید

ریحانه عامل نیک‌با به روایتی که تصدیق شده‌است، فردا شهادت امام حسن مجتبی^(ع) است. برای روزهای پایانی دهه صفر، فصل مجزایی از معرفت باید کسب کرد. نمی‌دانم تصویر ذهنی شما از امام حسن مجتبی^(ع) با چه اوصاف و شماییلی است، اما بسیار شنیده‌ایم که وجود مبارک ایشان در شهر جد خود غریب بود، غریبی که از سمت زمان و زمانه به ایشان تحمیل شده بود با این هدف که اسلام نبوی را از خاطره مردم پاک کنند و مسیر دین را منحرف سازند و هر چند با درایت امام حسن مجتبی^(ع) بسیاری از نقشه‌های آنان به جایی نرسید، در نهایت با دورویی و نیرنگ، ایشان را به شهادت رساندند. آن چیزی که برای ما مسلمان پیامبر ندیده مایه عبرت است، مطالعه تاریخ زندگی بزرگان دینی است. به نقل از پیامبر اکرم^(ص) آمده‌است: «بَلَى قَوْمٌ مِنْ أَقْتَى تَأْتُونَ مِنْ بَعْدِکُمْ فَيُؤْمِنُونَ بِي، آن کسانی که به من ایمان می‌آورند درحالی‌که من را ندیده‌اند، از شما برترند».

درست‌است که ماییمامبر^(ص) و اهل بیت ایشان را ندیده‌ایم اما می‌توانیم بخوانیم و تأمل کنیم. در مورد برخورد امام حسن مجتبی^(ع) با دیگران نقل شده‌است که ایشان بسیار دلسوز بودند. یکی از موضوعاتی که در روایت در مورد اهل بیت^(ع) ذکر شده‌است، این است که هیچ فقیر و حاجتمندی از در خانه آن بزرگواران ناامید بر نمی‌گشت و حتی خود آن حضرات به‌سراغ فقر می‌رفتند. امام حسن^(ع) نیز از این قاعده مستثنا نبودند. آن حضرت در طول عمر پربار خود، دو بار تمام اموال و دارایی خودشان را در راه خدا صرف کردند و سه بار نیز ثروت خود را به دونیم تقسیم کردند و نصف آن را در راه خدا به فقرایخشیدند. این رفتار ایشان در اجتماع، برای همه ماکه می‌توانیم گرهی از مشکلات اطرافیان خود باز کنیم، آموزنده‌است. به غیر از رفتار اجتماعی و مردم‌داری حضرت، می‌توان به حدیثی از آن امام بزرگوار اشاره کرد که درباره آن دسته از اخلاق‌های بد ماست که موجب از بین رفتن ایمان ما و هر آنچه به عنوان کار خوب انجام می‌دهیم، می‌شود. امام حسن^(ع) در این مورد می‌فرمایند:

«هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است: تکبر، حرص و حسد. تکبر سبب نابودی دین و ایمان شخص است و به وسیله تکبر، شیطان با آن همه عبادت، ملعون شد. حرص و طمع، دشمن شخصیت انسان است؛ همان طور که حضرت آدم^(ع) به وسیله آن از بهشت خارج شد. حسد سبب همه خلاف‌ها و زشتی‌هاست و به همان دلیل، قایل‌بر برادر خود هابیل را به قتل رساند». (اعیان الشیعه، ج یک، ص ۵۷۷). شاید به نظرتان بدی‌های کوچک و احساسات منفی در ماکه می‌تواند در همه وجود داشته باشد. خیلی مشکل زانیا باشد، چون هم خیلی شایع و پرتکرارند و هم می‌توانند سر هر موضوع کوچک یا بزرگی در ما خود را نشان بدهند. اما به همان اندازه شیوع و همگانی بودن نشان در همه باورها نهی شده‌اند، خلق‌هایی مانند حسادت کردن، غرور و حرص و زیاده‌خواهی تا آن حدی می‌تواند بر روی وجود و نفس انسان اثرگذار باشد که ایمان و یک عمر عبادت خالصانه او را بر باد بدهد، «کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس!».

بردار

و بخوان

صلح امام حسن^(ع)؛ پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ

اثنه اطهار^(ع) در هر دوران و زمانی که بوده‌اند، با مسائل و موانع بی‌شماری برای هدایت و روشنگری در میان مردم مواجه بوده‌اند. یکی از این دوران‌های سخت، مربوط به زمان امامت امام حسن مجتبی^(ع) است؛ دورانی که در تاریخ اسلام حتی غیرمسلمانان را به تعجب می‌اندازد که چگونه با این فاصله‌کم از زمان فوت پیامبر^(ص) امتی با نوه‌های عزیزتر از جان پیامبرشان چنین رفتار ظالمانه‌ای کردند. برای شناخت این دوران و همچنین درک هوشمندی و درایت این امام همام، خوب است کتاب «صلح امام حسن^(ع)» را مطالعه کنیم. در این کتاب نویسنده، راضی‌آل یاسین، دست به تحلیل و تفسیر وقایع مربوط به صلح امام حسن^(ع) می‌زند. این کتاب را آیت... العظمی‌ خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، ترجمه کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های درخورتوجه این اثر، ارجاعات نویسنده و ذکر منابع برای تحلیلی منطبق بر عقل و نقل است.

رهبر معظم انقلاب کتاب را در سال ۱۳۴۸ شمسی با نام «صلح امام حسن^(ع)؛ پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ» به فارسی ترجمه کردند.

سیری در سیره امام حسن مجتبی^(ع)؛ امام صبور و مدبر

تدبر سیاسی و سخاوت، روی دیگر سیره حسنی

تربیت توسط مربیان معصوم

امامان معصوم^(ع) برگزیدگان خدا هستند و نام آن‌ها نیز در آسمان‌ها انتخاب شده‌است. پیامبر اکرم^(ص) در اوایلین ماه‌های حیات بابرکت خود، مسلمانان را در غدیر خم فراخواندند و برای آینده امت اسلامی نه یک نفر بلکه دوازده نفر را از جانب خدا معرفی کردند. نفر نخست آن‌ها امیرالمؤمنین^(ع) و دومین آن‌ها حضرت امام حسن مجتبی^(ع) بودند تا امام دوازدهم^(ع). اگر حیات بابرکت امام حسن^(ع) را تقسیم‌بندی کنیم، حدودا هشت سال محضر نورانی پیامبر^(ص) و پس از آن حدود سی سال محضر پدرشان امیرالمؤمنین^(ع) را درک کردند. ایشان همچنین در دامان پرمهر و آکنده از معنویت مادرشان، حضرت زهرا^(ص) مرضیه^(ص)، رشد و تربیت یافتند.

تمرین صبر در محضر امیر^(ع)

از راه‌های شناخت شخصیت انسان‌ها، شناخت مربیان آن‌هاست. پیامبر^(ص) مولای متقیان^(ع) و حضرت زهرا^(ص) مربیان امام مجتبی^(ع) بودند و هر یک تأثیری شگرف بر شخصیت آن حضرت گذاشتند، چنان‌که احادیث و خاطراتی را از نبی مکرم^(ص) بیان کرده‌اند. بعد از حلت رسول خدا^(ص) هم‌که جامعه، منحرف‌وحق امام علی^(ع) غصب شد و امیرالمؤمنین^(ع) خانه‌نشین شدند. امام حسن مجتبی^(ع) در دوران تقریبی ۲۵ سال غربت در کنار پدر بودند و غربت را در محضر ایشان، مشق و تمرین کردند.

تولیت موقوفات علوی و فاطمی

امیرالمؤمنین^(ع) در آن ۲۵ سال به‌طور مختلفی مشغول بودند یکی از آن امور، تألیف کتاب بود تا دست‌مسلمین در آینده خالی نباشد و لذا هفت کتاب را تألیف و آیات قرآن را برای عمل به احکام دین تفسیر کردند و در اینجا هم باز امام حسن^(ع) دستیار پدر بودند. همچنین حضرت علی^(ع) در این مدت به حفر چاه‌های مدینه و دیگر امور پرداختند. در این مدت امام علی^(ع) دارایی درخواملاحظه‌ای جمع کردند اما همه این مال را وقف کردند و به رهروان خود آموختند که جوهره انسان، کار و ثمره آن، خدمت به خلق است. لذا تا پایان عمر نه بر مساحت خانه خود افزودند، نه میل و علاقه‌ای به بهره‌بردنیانشان دادند. امام حسن^(ع) پیروش یافته این خانه و نیز مادری همچون حضرت صدیقه‌زهرا^(ص) بودند که همه میراث خود را وقف کردند و متولی این موقوفات، امام حسن مجتبی^(ع) بودند.

حجت الاسلام والمسلمین بهشتی،

اگرچه امام حسن^(ع) در غربت شدید قرار داشتند، متولی اوقاف پدر و مادرشان بودند و از عوااید همان موقوفات بسیار به فقرا، ایتام و در راه ماندگان و نیازمندان رسیدگی می‌کردند

دفاع قرآنی از جایگاه امامت

بعد از شهادت امیرالمؤمنین^(ع)، فرزندشان امام حسن مجتبی^(ع)، فصل جدیدی از حیات خود را آغاز کردند. ایشان در مسجد خطبه خواندند و به استناد خطبه غدیر پیامبر^(ص) و آیات قرآن همچون آیه ۵۹ سوره مبارک نسا که می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند، اطاعت کنید»، درصدد دفاع از جایگاه امامت و حق ولایتی که خدا برای ائمه^(ع) قائل شده‌است، برآمدند؛ البته این شروع فصلی سخت در حیات بابرکت امام حسن^(ع) بود و ایشان با دشمنان متعددی مواجه بودند.

چاره‌ای جز صلح برای امام نماند

نخستین دشمن امام حسن^(ع) معاویه بود که پیش از آن با امیرالمؤمنین^(ع) نیز دشمنی داشت. تنوع اعتقادی و ایمانی مسلمانان و اینکه نوع ایمان آوردن و نیز شدت ایمان و باورشان متفاوت بود، هم برای امام مشکل ایجاد می‌کرد؛ به‌ویژه آنکه معاویه از این آب گل آلود به نفع خود مایه گرفت و کوشید با تطمیع و تبلیغ و استفاده فراگیر و گسترده از رسانه و شایعه‌پراکنی و دروغ، در سپاه امام حسن^(ع) نفوذ کند و لذا برخی افسران سپاه حضرت، فریب معاویه را خوردند؛ مثل ابن عباس که در نیمه شبی فریب خورد و به معاویه پیوست و همچنین بودند برخی دیگر از افسران آن حضرت.

آئمه مستقیمی| اگرچه همه اهل بیت^(ع) مظلوم هستند و ظلم بزرگ به آن حضرات، غصب حق الهی‌شان و درنهایت به شهادت رساندن آن‌ها توسط حکام جور بود، وجوه و ابعاد مظلومیت امام حسن^(ع) جور دیگری بود؛ دیدن ماجرای کوچه و مادر بین در و دیوار، تحمل ۲۵سال خانه‌نشینی پدر و صلح با معاویه، از جلوه‌های این مظلومیت است. به مناسبت فرارسیدن ایام شهادت آن حضرت در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد بهشتی، خطیب مذهبی و کارشناس برنامه‌های معارفی رسانه ملی، به شمه‌ای از این مظلومیت اشاره کرده‌ایم.

چرا صلح با معاویه؟

معاویه از جنگ رسانه‌ای علیه امام استفاده می‌کرد، تا جایی‌که حتی برخی به ظاهر باران، پشت سر و پیش‌روی امام^(ع)، علیه ایشان سخن می‌گفتند و امام حسن^(ع) را به دلیل مسئله معاویه بازخواست می‌کردند و حرمت ایشان را نگاه نمی‌داشتند و به ایشان می‌گفتند دلیل‌کننده مؤمنان! این‌ها همه باعث شد نهایتاً امام حسن^(ع) چاره‌ای جز صلح با معاویه نداشته باشند و لذا بعد ها وقتی از حضرت پرسیدند چرا با وی صلح کردید، فرمودند: «این بیم وجود داشت که اگر صلح نمی‌کردم، همین تعداد کم شیعیان هم از بین بروند و هیچ نشانی از اسلام ناب برای آیندگان باقی نماند». این‌ها همه دورانی بسیار سخت را برای امام حسن^(ع) رقم زد.

بسترسازی صلح حسنی برای قیام حسینی

البته افراد خردمند و تیزبین خیلی زود دریافتند که معاویه چه کرده‌است؛ چنان‌که در جریان حکمتی حتی آن‌ها که پیشنهاد دهنده بودند، فهمیدند فریب معاویه را خورده‌اند.

امام حسین^(ع) پس از امام حسن^(ع) به صلح برادرشان پایبند بودند و حرمت نگاه داشتند اما معاویه شروط صلح را زیر پا گذاشت و انقلابی‌ها دریافتند که او چه مکر و توطئه‌ای کرده‌است و نهایتاً حضرت سیدالشهدا^(ع) خلافت یزید و بیعت با او را نپذیرفتند و قیام عاشورا با کیفیتی که می‌دانیم، رقم خورد، لذا صلح امام حسن^(ع) در زمینه‌سازی برای عاشورای حسینی اثرگذار بود و بستر آن را فراهم کرد.

پناه مردم؛ کریم اهل بیت^(ع)

اگرچه امام حسن^(ع) در غربت شدید قرار داشتند، متولی اوقاف پدر و مادرشان بودند و از عوااید همان موقوفات بسیار به فقرا، ایتام و در راه ماندگان و نیازمندان رسیدگی می‌کردند و خاطرات بسیاری از کرامت ایشان نقل شده و همین سبب شهرت امام به کریم اهل بیت^(ع) شده‌است.

امام حسن^(ع) از رسیدگی به فقرا و پاسخ به سؤال سائلان، سرپا نزدند و پناه و ملجأ آن‌ها بودند و این‌ها آموزه‌هایی‌است که باید سیره امام حسن مجتبی^(ع) تبیین و نهادینه شود تا مبنای عمل در جامعه قرار بگیرد.

روشنا

امام حسن^(ع) با مردم به گونه‌ای رفتار کن که دوست داری با تو آن‌گونه رفتار کنند. (أعلام‌الدین، ص ۲۹۷).

قومی که معجزه خدا را هم کشتند

مَرْجُوا قَبْلَ هَذَا... (هود، ۶۲).

انکار و تهمت و تکذیب کردن، جواب نداد، پس نقشه قتل او را هم کشیدند. گفتند او و خانواده‌اش را می‌کشیم و اگر کسی به خون‌خواهی او برخاست، می‌گوییم مایه‌ی خیریم. قَالَوَاتَّقُوا سُبُوَآبِإِلَهِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (نمل، ۴۹) ۹قبیله بودند و در زمین فساد کردند و اصلاح نشدند. برای همه راه هدایت فرستاده شد و خدا صالح را برای هدایت قوم نمود فرستاد. وَإِلَیْكُمْ أَنزَلْنَاهُمْ صَالِحًا... با همان شعار همیشگی «خدا ی یکتا را بپرستید»... اغْبُدُوا... مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ... آن‌ها گفتند ما اصلا از تو توقع نداشتیم و ما به تو امیدوار بودیم. قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِئْتًا

سما نه رضوانی بعضی‌ها گفته‌اند واژه «اخ» که در قرآن کریم در وصف هود و صالح و... آمده‌است، شاید به خاطر نسبت فامیلی آن‌ها باشد اما بعضی‌ها تعبیر قشنگ‌تری دارند، گفته‌اند آن قدر پیامبران برای مردم دلسوز بودند که این واژه درباره آن‌ها استفاده شده‌است؛ مثل برادر دلسوز و مهربان، اما چه می‌شود که این همه محبت پیامبر به قومش دیده نمی‌شود؟ هر قومی که قرآن کریم از آن صحبت می‌کند، یک ویژگی داشتند که آن ویژگی، پنبه‌ای در گوششان شد برای نشنیدن و نفهمیدن. قوم نوح تکبر داشتند و می‌گفتند پیامبر باید موجودی خاص باشد نه یک انسان معمولی... وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (نوح، ۷). قوم عاد لجباز بودند و می‌گفتند هود! خودت را خسته نکن، ما راه پدرانمان را می‌رویم.

احکام

حکم فراموشی نذر

اگر فردی مطمئن باشد که نذری داشته‌است، اما یادش نیست که چه چیزی نذر کرده‌است، تکلیفش چیست؟

آیت...العظمی صافی‌گلپایگانی: اگر مردد بین اقل و اکثر است، اکثفا کند به اقل و اگر مردد بین متباینین است، احتیاط کند.

آیت...العظمی مکارم‌شیرازی: چنانچه احتمالات معدودی در نظر اوست، به همه آن‌ها عمل کند، والا می‌تواند با قرعه موردی را تعیین کرده، عمل کند.

آیت...العظمی سیستانی: به همه مواردی که احتمال می‌دهد متعلق نذر بوده‌است، باید عمل کند و در مورد نذر به مقداری از مال، قدر متیقن کافی است.